

### متن پرسش

سلام استاد عزیز: ۱. حال خوشی ندارم نمی‌دانم به خاطر گناه است؛ یا به خاطر روحیه حاکم غربی (طمع؛ حرص و شهوت)؛ یا فضا حاکم بر جامعه است؟ نمی‌دانم چه باید کرد؛ امید ها هنوز به انقلاب و شهدا زنده است؛ اگر این امید هم کم رنگ شود به پوچی می‌رسی. چه باید کرد؟ ۲. زمانه عجیبی شده؛ فشار اقتصادی و ضعف فکری باعث شده هر کس برای خودش دکان باز کند و الهه آن شهر شود؛ این سطحی نگری چه برسر جامعه آورده؟ ۳. گویی دو جبهه باطل و حق با تمام قوا به میدان آمده و آنها که طالب حق نیستند پس کشیدند و به انزوا رفته اند؟ راه مشخص ولی غبار آلود برای عده ای، حاج قاسم آتش دلها را برافروخت ولی انگار نیاز به جرعه دیگر هم هست. تا راه عیان تر شود. عاقبت بخیری سخت شده استاد. استاد حرفی بنزید تا این آشوب درون به آرامش برسد و امید دو چندان بگیریم. خواهشا کمی شرح دهید.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عمده مقاومت در مسیری است که شروع شده است. نظری به جلسه ۸ سوره‌ی «فتح» بیندازید، خوب است. مطلب روی بئر سایت هست. موفق باشید